



بسم الله الرحمن الرحيم

چهاردهمین سالگرد تاسیس سماء مبارک باد

چهاردهمین سالگرد تاسیس سازمان موحدين آزاديخواه ايران را به مردم ايران و به همه موحدين و آزاديخواهان تبریک و تهنیت ميگوئيم . به امید روزی که بتوانيم سالگردهای بعدی این تاسیس فرخنده را آزادانه و دربين مردم خود جشن گرفته و رويش بحث نماييم .

۵ تير ماه ۱۳۸۴ چهاردهمین سال تاسیس سازمان موحدين آزاديخواه است . و سازمان موحدين آزاديخواه ايران درحالی عمر چهارده ساله خود را تکميل کرده و داخل پانزده ساله مبارزه و فعاليت خود ميشود که : **از طرفی** ۵ سال از مرحله « **کيفيت و انسجام بيشتري** » سپری شده و مرامنامه و اساسنامه سماء بازنگری و مجددا در همین ۵ تير ارائه گردیده است . اما مرحله « **فعاليت علنی** » سماء که ۵ سال قبل آرزويش را نموده بوديم، هنوز میسر و متحقق نشده است ، و مثلی که رسیدن دوره کار و فعاليت علنی ، که با بر کناری نظام ولایت مطلقه میسر ميشود ، **بيشتري** ميپايد . **از طرف ديگر** ، سازمان موحدين آزاديخواه ايران در حالی چهاردهيم سالگرد تاسيس خود را تبریک ميگويد که نظام ولایت مطلقه استبدادی ، محمود احمدی نژاد را جانشين خاتمی منافق و رئيس اصلاحات قلابی و عامل بقای نظام استبدادی و مامور سازشکاری با استعمارگران غربی کرده است . و حال بعد از ۱۶ سال حقه بازی و حيله گری (دو دوره رفسنجانی و دو دوره خاتمی) اکنون آقای احمدی نژاد ، جانشين آنها ميشود ، احمدی نژادی که حلقه بگوش ولایت فقيه بوده و وابسته به شديدترین و استبدادی ترین بخش نظام ولایت مطلقه است ، و معنای این کار چیزی جز بازگشت عملی به ۱۶ سال قبل و خط کشیدن بر افسانه اصلاح طلبی نیست .

نکته جالب اینست که حتی اصلاح طلبان قلابی و حکومتی هم احمدی نژاد را یک فاشيست و عنصری خطرناک و ضد اصلاحات معرفی کردند ، تا جایکه اصلا مردم را خاصتا در مرحله دوم نمایش، جهت جلوگیری از پیروزی احمدی نژاد به شرکت

درانتخابات استبدادی دعوت کردند ، و بجای زمینه‌سازی جهت انتخاباتی واقعی ، به رفسنجانی رای دادند . درحالیکه اگر اینها درکار خود صادق و درستکار بودند و کارشان برای استبداد و استعمار نبود ، هم نظام استبدادی را افشاء میکردند و هم بجای توجه به غرب و فرهنگ و ادبیات غربی بسوی مردم می رفتند و در خدمت مردم قرار میگرفتند . اما اصلاح طلبان قلابی و استبدادی و استعماری ، خواستند مردم را فریب بدهند و رای مردم را جهت بقای نظام ولایت مطلقه و سازشکاری با دول غربی و ناتویی مصرف کنند . و روی همین دغلبازی و ریاکاری بود که مردم آنها را بی جواب نگذاشته و حذف و رسوایشان کردند و حتی احمدی نژاد را براین دروغگویان ترجیح دادند ، بگذریم از اینکه معیار سنجش ما انتخابات استبدادی نیست ، ولی اگر مردم را داشتند و حد اقل مثل اکبر گنجی این نمایش استبدادی را تحریم میکردند، تا این اندازه حذف و رسوا نمیشده و تنها نمی ماندند و مثل دوم خرداد ۷۶ بالاخره مردم چیزهایی به آنها نشان می دادند . البته این ریاکاران معامله چی ، هدف دیگری نیز در رابطه با شرکت در این نمایش استبدادی داشتند و آن اینکه خواستند مردم را با شعارهای رسوای قبلی ، اما این بار همراه با جریانات ملی - مذهبی و با شعار دمکراسی خواهی و حقوق بشر ، به پای صنادیق نظام استبدادی بکشانند . و بعد از آنکه مصطفی معین از قافله نمایش استبدادی جا ماند ، نوبت به بهانه « **خطر احمدی نژاد** » رسید و خواستند این دفعه مردم را برای هاشمی رفسنجانی که ۲۶ سال است در راس نظام استبدادی قرار دارد ، به پای صندوقهای نظام استبدادی بسیج کنند . ولی در این دغلبازی هم رسوا شدند و با فاصله زیادی در برابر یک بسیجی ، در نمایش استبدادی بازنده شدند . در این میدان بجاست که از طبیل و دهل و سرناي غرب و امپریالیسم خبری اش نیز ذکری بشود که چگونه برای رفسنجانی و میانه روی اش ! به صدا درآمده بود ، و حتی شبکه الجزیره قطری هم ، که یک شبکه تلویزیونی استعماری - استبدادی است ، شب سوم تیر نیز یقه رفسنجانی را رها نکرده و او را بعنوان دارنده ۵۵ درصد آراء ، پیروز میدان اعلام نمود . اما بالاخره دیدیم که چگونه همه این حيله گران در برابر رهبر مطلقه و بلا منازع و بلا مهار و بلا حدود ولایت مطلقه خامنه ای به زانو درآمدند و چگونه رسوا شدند .

اما این مسئله که نظام ولایت مطلقه و خامنه ای ، چگونه و بنابر چه اهدافی به روش صریحی رسیده ، و با بیرون آوردن احمدی نژاد از صنادیق انتخابات ، میخواهد که بساط اصلاحات قلابی را جمع نماید و بسوی موضعی جنگی حرکت کند ، و قبل از همه ، به غرب و دولت های ناتویی چنگ و دندان نشان دهد ،

مسئله ای جالب و محل تامل است و آثار سیاسی آن بزودی ظاهر خواهد شد. در این میدان **دو قضیه** ممکن است نقش تعیین کننده ای در اتخاذ این روش بازی کرده باشند: **یکی از آنها** عدم نتیجه گیری از سازش و زد و بند با غرب است، و چون این اصلاحات برای سازش با غرب راه اندازی شده بود، حال باید درهم پیچیده شود و بجایش فرهنگ بسیجی و شیعه‌گری و عزاداری، رایج و مسلط شود، تا از این راه، دول غربی از تغییر نظام ولایت مطلقه منصرف شوند. به عبارت دیگر نظام ولایت مطلقه که از ۱۶ سال سازش و امتیازدهی و سیاست تنش زدایی با غرب، نتوانسته امان نامه بگیرد، حال به این نتیجه رسیده که راه بازداشتن غرب از فکر تغییر نظام ولایت مطلقه و یا حمله به ایران، اتخاذ موضع جنگی و ترساندن آنهاست، و می‌خواهد سیاست مذاکره با غرب و تلاش برای توافق با آنها را از موضع قدرت بیشتر و یا حد اقل از راه تظاهر به آن تقویت نماید. **قضیه دوم** که میتواند علت این روش صریح و جنگی باشد، همانا اختلافات داخلی است، و مثلاً خامنه ای بجای شخصی مثل رفسنجانی، که میتواند با او وارد مناقشه و اختلاف بشود، یک بسیجی را انتخاب میکند و از راه آن، کل دولت و حکومت در اختیار بلا منازع او قرار میگیرد. و همانطور که دیدیم میتوان گفت که خامنه ای، رفسنجانی و کربوبی را طرد و رها نموده است، و این دو نفر هم هنوز برنده شدن احمدی نژاد را ناشی از دخالت سازمان یافته و ناشی از دخالت سپاه و بسیج و استفاده وسیع از امکانات دولتی میدانند.

لازم به ذکر است که: آرای که از این نمایش استبدادی بدست آمده است، فاقد اعتبار هستند، چون **یا جعلی** و تقلبی هستند، و **یا** محصول ترس و وحشت میباشند. بگذریم از اینکه مردم ایران کلا سلب اختیار شده است و کسیکه معتقد و ملتزم به ولایت مطلقه نباشد و در چهارچوبه قانون اساسی ولایت مطلقه حرکت نکند و سابقه طولانی در نظام استبدادی نداشته باشد، ابدان نمیتواند حتی نامزد ریاست جمهوری بشود، و محروم شدن بیش از هزار نفر از نامزدهای ریاست جمهوری توسط شورای نگهبان استبداد، مثال بارز این واقعیت است.

حال سوال اینست که: آیا اصلاح طلبان قلابی و حکومتی بالاخره به این نتیجه رسیده اند که نظام ولایت مطلقه اصلاح پذیر نیست؟ چنین چیزی بعید است و به زحمت به چنین چیزی می رسند. چون از اول ساختچی و دروغگو بودند و اصلاحاتشان برای سازش با غرب و بقای نظام استبدادی بود. البته کسانی هم که به ملی - مذهبی مشهورند، کارشان در این نمایش استبدادی بسیار مفتضح گردید، زیرا بعد از آنکه در مرحله اول انتخابات استبدادی برای ریاست جمهوری،

بنابر شروطی و به بهانه تشکیل جبهه دمکراسی خواهی و حقوق بشر به معین و شعارهای قلبی اش رای دادند، در مرحله دوم، بدون شرط و شروطی و همراه با دار و دسته معین و خاتمی بسوی رفسنجانی رفته و به بهانه ترس از فاشیسم احمدی نژاد به عالی جناب سرخ پوش پیوستند و به او رای دادند!، اما در آنجا نیز چیزی نصیبشان نشد و دیدیم که در آنجا نیز چه شکستی خوردند. و حالا این آنها هستند و جناب احمدی نژاد برنده!، بله اینها غافلند و بلکه جاهل میکنند از اینکه همه چیز تحت سلطه و نظارت ولایت مطلقه است و احمدی نژاد بی چاره کاره ای نیست و او صرفاً یک کارگذار خامنه ای است. و این بازارهای دروغ پردازی صرفاً برای توجیه مواضع و اهداف بیجا و خلاف واقع است.

اکنون که در مورد اصلاح ناپذیری نظام استبدادی ولایت مطلقه، تا حد زیادی اتفاق نظر حاصل شده است، چه میتوان کرد و یا چه چیزی رخ خواهد داد؟ از نظر سماء بیشتر سه وضع را میتوان تصور کرد: **اولاً ممکن است** نظام ولایت مطلقه تا مدتی نامعلوم تداوم پیدا کند، و این تداوم حتما ناشی از سازش با غرب خواهد بود، و تصور نشود با آمدن احمدی نژاد پرونده سازش با غرب بسته میشود. **ثانیاً ممکن است** مردم ایران بیش از این استبداد و فقر و تبعیض را که نظام ولایت مطلقه، در ابعاد مختلف، مسبب و مروج و حامل آنست، تحمل نکند و برای زوال و برکناری نظام استبدادی به میدان آید و نظام ولایت مطلقه را با اراده و فداکاری خود به زانو در آورد. **ثالثاً ممکن است** مسئله نظام ولایت مطلقه بجایی برسد که نتواند با دول غربی و ناتویی سازش اساسی نماید و مثلاً استعمار صهیونی را برسمیت بشناسد، در این صورت، امکان درگیری عسکری نظام ولایت مطلقه با دول غربی و ناتویی وجود خواهد داشت و سقوط نظام ولایت مطلقه جزو پیامدهای این جنگ خواهد بود. اما امکان سوم، زمانی به وقوع می پیوندد که دول غربی و ناتویی نتوانند با نظام ولایت مطلقه بسازند. و باید این نکته را بخوبی درک نمود که دول غربی، نظام ولایت مطلقه را برای مردم ایران ساقط نمیکند، بلکه اگر این کار را بکنند برای خودشان میکنند. در نتیجه تا منافع نامشروع خودشان اقتضا نکند، چنین چیزی رخ نمی دهد. **حال ممکن است** کسی بگوید که آیا ممکن نیست که خواست مردم ایران و مصالح غربی اقتضا کند که این نظام استبدادی بر کنار شود؟ جواب اینست که دول غربی دشمن آزادی و مردمسالاری و کثرتگرایی هستند، در نتیجه تا وقتی که زمینه نظام استبدادی دیگری فراهم نشود که جانشین این نظام استبدادی گردد، نظام ولایت مطلقه از دست غرب در امان خواهد بود، و هر فشاری که به آن وارد کنند، صرفاً برای امتیازگیری

بیشتر است و اقدامی اساسی علیه آن انجام نخواهند داد. و خصوصا که حالا تجربه عراق و افغانستان را در دست دارند، درحمله به کشورها، تامل‌ها میکنند. اما در رابطه با اینکه دول غربی و ناتویی بخواهند از طریق مخالفین نظام ولایت مطلقه وارد عمل شوند، چنین چیزی بعید بنظر میرسد، چرا که در آن صورت، ایرانیان مخالف، هم باید دارای نفوذ و وجهه در میان مردم خود باشند، تا مردم همکار آنها شوند، که غربیان چنین مخالفینی را نمیخواهند، و هم بعد از سرنگونی نظام ولایت مطلقه، ایرانیان نیز کاره‌ای خواهند بود، که آنها در تضاد با انحصار طلبی دول غربی است. اینست که ما معتقد هستیم که خواست مردم ایران در تضاد با منافع و مصالح دول غربی باقی خواهد ماند. اما این را هم نباید فراموش کرد که نه مردم ایران و نه دول غربی قدرت مطلقه نیستند و همه چیز در دست خودشان نیست، و در تغییر و تحولات اساسی، خیلی چیزها بنابر ناچاری صورت میگیرد، و این جزو سنن تاریخ بشری است.

سازمان موحدين آزاديخواه ايران
۱۹ جمادی الاول ۱۴۲۶ - ۵ تیر ماه ۱۳۸۴